

سوءاستفاده شرکت مادر از شرکت‌های تابعه در حقوق ایران؛ مصادیق، تبیین مسئولیت و راهکارها

جهانبخش غلامی*، سلمان باقرپور**

چکیده

شرکت مادر، اغلب به دلیل تنوع در سرمایه‌گذاری، استفاده از مدیران متخصص و کارآمد و صرفه‌جویی در هزینه‌ها، اقدام به تأسیس شرکت‌های تابعه می‌نماید. در گروه شرکت‌های تجاری، گاه ممکن است شرکت مادر، با توسل به اصل «استقلال شخصیت حقوقی شرکت‌ها»، در پی سوءاستفاده از پوشش شخصیت حقوقی شرکت تابعه در جهت اهداف متقلبانه خود برآید و در نهایت از مسئولیت فرار نماید. لذا، تبیین مسئولیت بر شرکت مادر در قبال اقدامات شرکت تابعه و شناسایی طُرُق سوءاستفاده‌های احتمالی، جهت مقابله با آن واجد اهمیت است. نتایج تحقیق حاکی از آن است، شرکت مادر برای اهدافی از جمله، فرار از دین، فرار مالیاتی و اتخاذ رویه‌های تجاری ناعادلانه مانند ایجاد انحصار در رقابت، می‌تواند از پوشش شخصیت حقوقی شرکت تابعه سوءاستفاده نماید. در این فروض و در خلأ مقررات ویژه مبنی بر سوءاستفاده احتمالی شرکت مادر از شرکت تابعه در حقوق ایران، می‌توان با توجه به قواعد فقهی و حقوقی موجود از جمله قاعده «من له الغنم فعليه الغرم»، «غرور»، «مسئولیت ناشی از مالکیت یا کنترل شرکت تابعه»، «مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر» و «تسبیب»، شرکت مادر را در قبال خسارت وارده به اشخاص ثالث، مسئول دانست. جهت پیشگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی، تدوین قوانین شفاف‌سازی اجباری، اصلاح قوانین و نظام مالیاتی و ایجاد مکانیسم‌های نظارتی در گروه شرکت‌های تجاری، ضروری است.

واژگان کلیدی: شرکت مادر، شرکت تابعه، مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر، تسبیب

* استادیار گروه حقوق، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد قائم‌شهر)، قائم‌شهر، ایران (نویسنده مسئول)
Gholamijahanbakhsh@yahoo.com

** قاضی دادگستری، دانشجوی دکتری حقوق خصوصی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه آزاد اسلامی (واحد ساری)، ساری، ایران
Salmanbagherpour1398@gmail.com

مقدمه

امروزه با گسترش روابط اجتماعی، اشخاصی حقوقی تحت عنوان شرکت‌های تجاری در کشورهای مختلف به وجود آمده‌اند و با در نظر گرفتن شخصیتی مستقل از به‌وجودآوردگان خود، با استفاده از فعالیت‌هایی که انجام خواهند داد، می‌توانند به برخی از نیازهای متعدد و متغیر موجود در جوامع، پاسخ دهند. در گروه شرکت‌های تجاری مادر - تخصصی، شاهد دو گونه شرکت تحت عنوان شرکت مادر و تابعه می‌باشیم. شرکت مادر در رأس هرم قرار دارد و شرکت‌های زیرمجموعه، تحت اختیار و کنترل شرکت مادر تشکیل شده و به فعالیت می‌پردازند. هر کدام از این دو نهاد، واجد شخصیت حقوقی مستقل می‌باشند و به تبع آن، اصل شخصی بودن مسئولیت، مانع از تسری مسئولیت هر یک از این دو نهاد به دیگری می‌شود.

گاهی، ممکن است، قالب مستقل حقوقی شرکت‌های تابعه، به علت مقاصد و افعال متقلبانة شرکت مادر، به‌مثابه وسیله‌ای برای کسب سود نامشروع به‌کار گرفته و منتج به تضرر اشخاص ثالث شود و به تعبیری، شرکت‌های تابعه، مورد سوءاستفاده در جهت اهداف و مفساد اقتصادی شرکت مادر، قرار گیرند، به همین دلیل، تحولات اقتصادی، به‌ویژه در صحنه بین‌المللی، ایجاب می‌نمود که اصل شخصیت حقوقی مستقل شرکت‌های تجاری، به‌ویژه شرکت‌های تجاری فراملی که اغلب به‌صورت گروه شرکت‌های مادر اداره می‌شوند، تعدیل گردد و استثنائاتی بر آن وارد شود. چراکه ساختار پیچیده شرکت‌های مادر تخصصی، فعالیت شرکت‌های تابعه در کشورهای مختلف، تعهدات مالی وسیع آن‌ها و سوءاستفاده از پوشش شرکت، جهت فرار از مسئولیت، موجب طیف وسیعی از زیان‌ها می‌شد و جبران زیان‌ها لازمه یک چنین تعدیلی بود.

لذا، در حقوق تجارت بین‌الملل قاعده «خرق حجاب شرکت»^۱ به‌عنوان استثنای وارد بر «اصل شخصیت حقوقی مستقل شرکت‌ها» شناسایی گشت. به‌موجب این قاعده، در صورتی که سرمایه شرکت برای تأدیة دیون طلبکاران کفایت ننماید و احراز شود که ماهیت واقعی شرکت با ساختار قانونی یا هدف قانون‌گذار از تجویز تأسیس شرکت مطابقت ندارد، محکمه، به استناد قاعده فوق، شخصیت حقوقی شرکت و مسئولیت محدود سهام‌داران را نادیده می‌گیرد و جهت پرداخت دیون شرکت به شرکت مادر یا سهام‌داران اصلی، رجوع می‌نماید. هدف از این قاعده، جلوگیری از سوءاستفاده از پوشش شرکت برای فرار از تعهدات و مسئولیت‌ها است.

۱. خرق شخصیت حقوقی در زبان انگلیسی با عبارت‌های زیر بیان می‌شود:

Piercing of the corporate veil, lifting, penetrating, ignoring, extending, or parting the veil, disregarding the corporate entity or personality, looking or peeping behind the company.

قاعده فوق، ابتدا از سوی محاکم ایالات متحده آمریکا و با تأثیر از الزامات نظام حقوق عرفی به‌ویژه انصاف، مطرح شد و پس از مدتی در محاکم برخی از کشورهای اتحادیه اروپا و نیز در مراجعی مانند دیوان بین‌المللی دادگستری، مورد بحث و استناد قرار گرفته است. مبنای اصلی این آموزه، ممانعت از تقلب و سوءاستفاده است که هر دو به‌نوبه خود مبتنی بر انصاف می‌باشند که البته هنوز اصل، بر استقلال شخصیت حقوقی و محدودیت مسئولیت سهام‌داران است و خرق حجاب شرکت جهت دسترسی به سهام‌داران، همچنان استثنا می‌باشد.

در حقوق موضوعه ایران، هنوز مقرره‌ای دربارهٔ مصداق‌های مجاز، حدود و شرایط خرق حجاب شخصیت حقوقی شرکت به تصویب نرسیده است، ولیکن، درخصوص سوءاستفاده شرکت مادر از شرکت تابعه و استفاده ابزاری و پوششی شرکت مادر از شرکت‌های تابعه، حقوق‌دانان معاصر، بر این اعتقادند که خرق حجاب شخصیت حقوقی و تسری مسئولیت از شرکت تابعه به شرکت مادر، با اصول حقوقی و فقهی از جمله تسبیب و منع سوءاستفاده از حق، قابل توجیه و موافق است.^۱ با توجه به مطالب فوق‌الذکر، از آنجا که ممکن است، بعضاً شرکت‌های تابعه مورد سوءاستفاده در جهت اهداف و مفاسد اقتصادی شرکت مادر قرار گیرند، و از آنجا که در حقوق موضوعه به مسئولیت شرکت مادر در قبال شرکت تابعه، شرایط و حدود این مسئولیت پرداخته نشده است، بررسی گونه‌های سوءاستفاده شرکت مادر از شرکت تابعه در حقوق ایران و توجیه انتساب مسئولیت به شرکت مادر با توجه به قواعد فقهی و حقوقی حایز اهمیت می‌باشد.

نگارنده در پژوهش حاضر سعی نموده است، به این پرسش پاسخ دهد که شرکت مادر به چه اشکالی می‌تواند از شرکت تابعه سوءاستفاده نماید؟ در این موارد تسری مسئولیت به شرکت مادر به چه نحو است و چه راهکارهایی جهت مقابله با سوءاستفاده‌های احتمالی وجود دارد؟ در این راستا، در بخش نخست به تعریف ماهیت شرکت مادر، تابعه و روابط بین این دو شرکت و در بخش دوم به بیان اشکال سوءاستفاده احتمالی شرکت مادر از شرکت تابعه و سپس تبیین

۱. به‌عنوان مثال، دکتر فرجی، در خرق حجاب شخصیت حقوقی بر این اعتقاد است که در حقوق ایران خرق حجاب را می‌توان با استناد به نظریه سنتی «منع سوءاستفاده از حق» یا همان «منع تقلب» و با اعمال قاعده فقهی «لاضرر» توجیه نمود. از نقطه‌نظر ایشان در حقوق ایران هیچ حقی از جمله حق مالکیت و هیچ اصلی از جمله اصل آزادی قراردادها مطلق و نامحدود نیست. لذا، کلیه حقوق و اصول حقوقی محدود هستند به عدم سوءاستفاده از حق، و ضرر به غیر، نظم عمومی ایجاب می‌کند که اصل منع سوءاستفاده از حق و تقلب بر حقوق و اصول حقوقی غلبه نماید و مسئولیت محدود شرکای شرکت تجاری نیز از این قاعده مستثنی نیست (جنیدی و زارع، ۱۳۹۴: ۸۷).

مسئولیت شرکت مادر در قبال فعالیت‌های شرکت تابعه و در انتها، به بیان راهکارهای مقابله با سوءاستفاده شرکت مادر از شرکت تابعه، پرداخته شده است.

۱. کلیات

۱-۱. شرکت مادر^۱

شرکت مادر، شرکتی است که از طریق داشتن اکثریت مالکیت سهام، فعالیت شرکت‌های دیگر را کنترل می‌کند (صالحی مازندرانی و ذاکری نیا، ۱۳۹۲: ۱۵۲). شرکت مادر که شرکت هلدینگ^۲ و همین‌طور ستاد مرکزی^۳ نامیده می‌شود، شرکتی است که به‌عنوان شرکت اصلی در گروه شرکت‌های تجاری، نقش یک سرپرست را از نظر مدیریتی و سازماندهی بازی نموده و با دارا بودن تعداد سهام لازم (اغلب بیش از ۵۰ درصد) در شرکت‌های تابعه، فعالیت‌های آن‌ها را کنترل می‌نماید و در مدیریت آن‌ها، نقش دارد (کاویانی و قاسمی مقدم، ۱۳۹۴: ۱۲۱). خصوصیات شرکت مادر، داشتن حق رأی در مجمع عمومی شرکت‌های تابعه به‌موجب سهام‌دار بودن در این شرکت‌ها و همین‌طور، توانایی انتخاب و یا عزل مدیران آن شرکت‌هاست که از آن به‌عنوان قاعده «سهام بلوک» یعنی داشتن یک عضو هیئت مدیره نام برده می‌شود (جنیدی و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۳۳).

در حقوق ایران، بند ۲۲ ماده ۱ قانون بازار اوراق بهادار جمهوری اسلامی ایران مصوب ۱۳۸۴ شرکت مادر یا هلدینگ را تعریف کرده است: «شرکتی که با سرمایه‌گذاری در شرکت سرمایه‌پذیر جهت کسب انتفاع، آن‌قدر حق رأی کسب می‌کند که برای کنترل عملیات شرکت، هیئت‌مدیره را انتخاب کند و یا در انتخاب اعضای هیئت مدیره مؤثر باشد.» لذا، از منظر قانون بازار، که از اولین مقررات در خصوص تعریف شرکت مادر می‌باشد، ملاک تشخیص شرکت مادر و تابعه، تملک آن میزان سهامی است که می‌تواند هیئت مدیره را انتخاب یا در انتخاب آن مؤثر باشد. نمونه شرکت مادر در ایران، شرکت‌های خودروسازی و پتروشیمی می‌باشند.

النهایه، در حال حاضر، ماده ۲۲۶ لایحه جدید قانون تجارت مصوب کمیسیون قضایی و حقوقی مجلس شورای اسلامی مصوب ۱۳۹۱، که هنوز لازم‌الاجرا نگردیده است، شرکت تابعه/فرعی، شرکت مادر و شرکت وابسته را این‌گونه تعریف می‌نماید: «شرکت تجارتي که بیش از پنجاه درصد سرمایه آن به‌طور مستقیم یا غیرمستقیم به شرکت دیگری تعلق دارد، همچنین شرکت تجارتي که به طرق پیش‌بینی شده در اساسنامه و یا به هر نحو از قبیل کسب اکثر مدیران، تحت کنترل شرکت دیگر

1. Holding Company/Parent Company
2. Holding Company
3. Head Quarter

باشد شرکت تابع یا فرعی نامیده می‌شود، اگرچه کمتر از پنجاه درصد سرمایه آن به شرکت کنترل‌کننده تعلق داشته باشد. به شرکتی که از طرق مذکور کنترل شرکت دیگر را در دست دارد، شرکت مادر اطلاق می‌شود. شرکتی که به هر نحو از قبیل داشتن حداقل یک مدیر در شرکت و یا سهامداری عمده تحت نفوذ قابل ملاحظه شرکت دیگر باشد، شرکت وابسته نامیده می‌شود.»

با تدقیق در مواد فوق، می‌توان بیان داشت، مقنن ایرانی، سه مصداق از شرکت مادر ارائه نموده است: مصداق اول، شرکت مادری است که لزوماً، بیش از ۵۰ درصد سرمایه شرکت‌های زیرمجموعه را به طور مستقیم یا غیرمستقیم در تملک خود دارد و به همین دلیل کنترل شرکت تابع را نیز در دست دارد. مصداق دوم، شرکت مادری که به هر نحو از قبیل پیش‌بینی در اساسنامه و غیره کنترل شرکت تابعه را در اختیار دارد. مصداق سوم، شرکت مادری که تنها با داشتن سهام عمده یا یک مدیر از اعضای هیئت مدیره در شرکت تابع دارای نفوذ قابل ملاحظه می‌باشد.

در یک جمع‌بندی کلی و با توجه به مصادیق موجود در لایحه جدید قانون تجارت، به نظر می‌رسد، مقنن، عمده‌اً درصد تعریف دو نوع شرکت هلدینگ / مادر، برآمده است. نوع اول شرکت مادری است که به طرق مختلف از قبیل داشتن اکثریت اعضای هیئت مدیره در «شرکت تابع» شرکت فوق را «کنترل» می‌نماید و نوع دوم شرکت مادری است که تنها، با دارا بودن سهام عمده یا داشتن یک عضو هیئت مدیره در شرکت «وابسته»، «نفوذ قابل ملاحظه» دارد. شاید بتوان نوع اول را در حقوق ایران شرکت هلدینگ واقعی (با توجه به تعاریف از پیش گفته شده) و نوع دوم را شرکت در حکم هلدینگ نام‌گذاری نمود. چراکه ملاحظه می‌شود، از عبارات کنترل در برابر شرکت تابعه و عبارت نفوذ قابل ملاحظه در برابر شرکت وابسته استفاده شده است، یعنی در حقوق ایران شرکتی که تحت کنترل شرکت دیگر باشد تابعه و اگر تحت نفوذ شرکت دیگر باشد شرکت وابسته نامیده می‌شود (احمدزاده، ۱۳۹۴: ۲۰).

با توجه به موارد فوق، چنانچه درصد برآییم تعریفی جامع از شرکت هلدینگ واقعی، در حقوق ایران ارائه نماییم، بدین شرح است که: «شرکت هلدینگ، یکی از اقسام شرکت‌های تجاری است و از طریق تحصیل تمام یا بخشی از سهام شرکت‌های دیگر و با انتخاب اکثریت هیئت مدیره، شرکت‌های دیگر را تحت کنترل خود قرار می‌دهد. منظور از واژه کنترل با توجه به صدر ماده ۲۲۶ لایحه روشن است و شرکت هلدینگ از طریق انتخاب اکثریت اعضای هیئت مدیره تسلط بر امور شرکت تابعه دارد و باید دارای میزانی از سهام باشد که بتواند اکثریت اعضای هیئت مدیره را تعیین نماید.»

۲-۱. شرکت تابعه

شرکت تابعه، به شرکتی اطلاق می‌شود که اکثریت حق رأی، اکثریت سهام و اختیار انتخاب بیشتر مدیران آن در اختیار یک شرکت دیگر است. شرکت مادر، با استفاده از یکی از این دو راه،

ممکن است اقدام به تأسیس شرکت تابعه کند، اول، تملک اکثریت سهام یک شرکت موجود و دوم، ایجاد یک شرکت جدید با اختصاص بخش بزرگی از سهام آن برای خود. شرکتی که کل سهام آن متعلق به شرکت مادر باشد، شرکت «تابعه کامل» نامیده می‌شود و در فرضی که سهام آن در اختیار دو یا چند شرکت باشد، شرکت «تابعه مشترک» نامیده می‌شود (جنیدی و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۳۴). از شرکت تابعه ممکن است با دو مفهوم «شرکت فرعی»^۱ و دیگری «شرکت وابسته»^۲ نیز یاد شود. تفاوت شرکت تابعه با این دو مفهوم بدین صورت است که درصد سرمایه‌گذاری شرکت اصلی در شرکت فرعی بیش از ۵۰ درصد بوده و یا کنترل شرکت فرعی در اختیار شرکت اصلی است و شرکت وابسته نیز شرکتی است که مدیریت آن توسط شرکت مادر تعیین و کنترل می‌شود، و لیکن، سرمایه‌گذاری شرکت مادر در آن‌ها کمتر از ۵۰ درصد سهام است (رضایی، ۱۳۹۶ [الف]: ۱۵۷). در عرف تجاری بین‌المللی نیز گاهی الفاظ «فرعی» و «وابسته» به یک معنا به کار می‌روند. چراکه هر دو بیانگر درجه‌ای از مالکیت شرکت مادر می‌باشند، ولیکن، در واقع اصطلاح شرکت وابسته بیانگر مالکیت حداقلی در برابر مالکیت حداکثری شرکت مادر در شرکت فرعی است. به نظر می‌رسد نظریات مشورتی منتشر شده از سوی سازمان همکاری و توسعه اقتصادی نیز بر این تفکیک، نظر دارند و لیکن، ماده ۹ معاهده نمونه که مبنی بر تخصیص سود بر مبنای کاربرد «اصل معامله‌کنندگان مستقل» میان این واحدها است، لفظ «شرکت‌های وابسته، به معنای اعم شامل شرکت‌های فرعی و شرکت‌های تحت کنترل، مشترک به کار گرفته شده است» (سازمان همکاری و توسعه اقتصادی سال ۲۰۱۰، بند یک؛ وکیلان و نوریبخش، ۱۳۹۶: ۲۱۳).

همچنین، در آخرین اصلاحات لایحه جدید قانون تجارت، در بهمن ۹۸، با عنوان «لایحه اصلاح لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت به منظور حمایت از سهام‌داران خرد»، در ماده ۱ مکرر، شرکت تابعه، شرکتی تعریف شده است که شرکت اصلی، سهام‌کنترلی آن را در اختیار دارد و سهام‌کنترلی، عبارت است از، حداقل سهام مورد نیاز برای قادر ساختن دارنده، به تعیین اکثریت اعضای هیئت مدیره شرکت تابعه.

۳-۱. تبیین رابطه شرکت مادر با شرکت تابعه

در مورد رابطه بین شرکت مادر و تابعه نظریه‌های متفاوتی وجود دارد که ابعاد مختلف این رابطه را مورد تأمل قرار داده است، در ذیل به آن‌ها اشاره می‌شود.

1. subsidiary company
2. Affiliated

۱-۳-۱. نظریه کنترل و مدیریت

از آنجا که سرمایه‌گذاری شرکت‌های مادر، در شرکت‌های تابعه با ریسک همراه است، اصولاً، نظارت‌هایی بر فعالیت و عملکرد شرکت‌های تابعه توسط شرکت مادر صورت می‌گیرد. این کنترل و نظارت ممکن است ناشی از مالکیت عمده سهام شرکت مادر باشد و شرکت مادر با گماشتن ناظران یا بازرسان در شرکت تابعه، این کنترل و نظارت را اعمال می‌نماید.

برای اثبات کنترل شرکت مادر بر شرکت تابعه، معیارهای مختلفی وجود دارد، مانند: تأمین مالی شرکت تابعه توسط شرکت اصلی جهت سرمایه‌گذاری، روش پرداخت شرکت فرعی به شرکت اصلی، ثبت محاسبات مالی شرکت فرعی در شرکت اصلی، یکسان بودن مدیران و حساب‌برسان و مسئولین شرکت فرعی و شرکت اصلی، کنترل مؤثر بر فعالیت‌های روزانه شرکت فرعی از سوی شرکت اصلی، وجود نظام فروش منسجم و واحد بین دو شرکت، واحد بودن دارایی‌های شرکت اصلی و شرکت فرعی، انجام فعالیت تجاری شرکت اصلی به وسیله شرکت فرعی، نظام فروش یکپارچه در شرکت اصلی و شرکت فرعی، فعالیت شرکت فرعی به‌عنوان بازوی تجاری شرکت اصلی، استفاده شرکت فرعی از نام تجاری شرکت اصلی، نقل و انتقال کارکنان بین دو شرکت اصلی و فرعی و در نهایت وجود تصویر تجاری مشترک، جملگی، عناصر و ضوابط اثبات کنترل شرکت اصلی بر شرکت فرعی است (محبی و ضیایی، ۱۳۹۲: ۱۸).

در موارد فوق‌الذکر، این احتمال وجود دارد که شرکت مادر، با وجود نداشتن سمت رسمی و قانونی در شرکت تابعه، به‌عنوان «مدیر عملی» تلقی شود. بدین صورت که، شرکت مادر می‌تواند، برای اعمال کنترل بیشتر بر شرکت تابعه، مدیران دست‌نشانده خود را بگمارد و در عمل خود به اداره شرکت بپردازد (Hofstetter, 1990: 584).

۱-۳-۲. نظریه نمایندگی^۱

گاهی، شرکت تابعه به‌مثابه یک نماینده عمل می‌نماید و در تصمیم‌گیری و اجرای تصمیمات، فاقد استقلال است. این فرض زمانی اتفاق می‌افتد که شرکت‌های مادر شرکت‌های تجاری گروه، به دلایلی همچون ممنوعیت‌های قانونی یا قراردادی، هزینه‌بر بودن یا مسئولیت‌آور بودن برخی فعالیت‌های تجاری، اقدام به تأسیس شرکت‌های تابعه می‌کنند (جنیدی و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۳۶). احراز رابطه فوق با دادگاه بسته به اوضاع و احوال خاص پرونده است، به‌عنوان مثال، اگر احراز شود شرکت تابعه صرفاً شخصیت ثانوی شرکت مادر بوده است، بدین توضیح که شرکت فعالیت

1. Agency theory

تجاری خود را انجام نمی‌دهد، بلکه جهت کنترل شرکت دیگری است و از خود اراده‌ای ندارد؛ در نهایت تعهدات برای شرکت مادر، به‌عنوان اصیل خواهد بود و در فرض جبران خسارت، این امکان فراهم است تا به جای نماینده به اصیل و متعهد اصلی مراجعه شود و وی مسئول قلمداد شود.

۳-۳-۱. نظریهٔ بنگاه اقتصادی منفرد^۱

شرکت‌های عضو یک گروه تجاری، با وجود تمایز و استقلال شخصیت حقوقی، در بعضی مواقع، همگی با هم به گونه‌ای به فعالیت تجاری می‌پردازند و به اندازه‌ای به یکدیگر وابسته‌اند که گویی شخص واحدی هستند و دارای دارایی واحد می‌باشند.

اگر شرکت مادر، اثر قطعی و عملی بر شرکت تابعه گذاشته است، می‌تواند اماره بر اختلاط دارایی شرکت مادر و تابعه باشد. به‌عنوان مثال، جایی که شرکت مادر، تمام سرمایهٔ شرکت تابعه را تملک می‌نماید و یا شرکت مادر، شرکت واسطه‌ای را ایجاد و سپس آن شرکت واسطه، سرمایهٔ شرکت مادر را تملک می‌نماید از مصادیق اثر قطعی شرکت مادر بر شرکت تابعه می‌باشد (Van Der Woud & Jones, 2012: 37).

وحدت دارایی ممکن است به‌عنوان امارهٔ واهی بودن شرکت تابعه و عدم استقلال شرکت تابعه، سبب مسئولیت شرکت مادر شود. در چنین حالتی، به دلیل آنکه از نظر اشخاص ثالث، گروه همچون شخص واحدی انگاشته می‌شود، دیون شرکت‌های تابعه به شرکت مادر قابل تسری می‌باشد.

۲. هدف از تأسیس شرکت تابعه

شرکت‌های مادر، اغلب به دلیل تنوع در سرمایه‌گذاری، حاکمیت سیاست یکپارچه، استفاده از مدیران متخصص و کارآمد، و صرفه‌جویی در هزینه‌ها، بدین نحو که شرکت مادر می‌تواند با داشتن چندین شرکت زیرمجموعه، از طریق تسهیم خدمات و به کارگیری مهارت‌های افراد متخصص، در هزینه صرفه‌جویی کند، اقدام به تأسیس شرکت تابعه می‌نمایند (سبحان‌اللهی و دیگران، ۱۳۹۱: ۲۰). شرکت‌های چندملیتی در بیشتر مواقع نیز، به دلیل بهره‌مندی از معافیت‌های مالیاتی در کشور میزبان و استفاده از نیروی کار ارزان به صورت گروه شرکت‌های تجاری عمل می‌نمایند.

با وجود این، گاهی اوقات، غایت نهایی کسب سود آنچنان مهم تلقی می‌شود که شرکت‌ها جهت نیل به آن به ابزارهای غیرمشروع متوسل می‌شوند. ازدیاد شرکت‌های تجاری در قرن حاضر و به رسمیت شناختن شخصیت حقوقی برای آن‌ها توسط قانون‌گذاران کشورهای مختلف در کنار توسعهٔ دامنهٔ فعالیت آن‌ها سبب گسترش جرایم شرکتی شده است (شاملو و دانش‌ناری، ۱۳۹۸: ۵۷) در این

1. Single Economic Unit Doctrine

راستا، ممکن است شرکت مادر از شرکت تابعه در جهت مقاصد و منافع نامشروع خود سوء استفاده نماید. سوء استفاده از شرکت تابعه می‌تواند، در ابتدای تأسیس شرکت تابعه باشد و یا در زمان اداره شرکت. در ابتدای تأسیس شرکت تابعه، اگر مؤسسان و شرکا، از تأسیس شرکت قصدی غیر از تقسیم سود و انجام دادن موضوع شرکت داشته و به دلایل دیگر، در صدد تشکیل شرکت برآمده باشند بطلان شرکت اعلام می‌شود و با استناد به عامل تقلب، شرکت مادر مسئول پرداخت خسارات قراردادی و خسارات ناشی از مسئولیت مدنی است (جنیدی و زارع، ۱۳۹۴: ۹۷ و ۹۸).

برای سوء استفاده از شرکت تابعه به هنگام اداره شرکت نیز، دو فرض متصور است، اول آنکه شرکت به نحو واقعی تشکیل و لیکن با هدف فریب طرف مقابل، برخلاف واقع معرفی و تبلیغ می‌شود (تدلیس) دوم آنکه شرکت به طور واقعی و با اراده جدی تشکیل شده، اما انگیزه و هدف اصلی از تشکیل شرکت، سوء استفاده از آن برای فرار از تعهدات و تکالیف قانونی و استفاده ابزاری از آن است (تقلب). در فرض اول دادگاه‌ها می‌توانند با استناد به نظریه عمومی «تدلیس» مانع نفوذ حقوقی اقدامات متقلبانه چنین اشخاصی شوند (شهبازی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۰: ۳۱) و در حقوق کیفری نیز از مصادیق کلاهبرداری قلمداد گردد. در فرض دوم نیز با توجه به عدم وجود مقرره‌ای در خصوص موضوع در حقوق شرکت‌های تجاری، ناگزیر از مراجعه به عموماً حقوقی و قواعد فقه اسلامی می‌باشیم که در نوشتار حاضر بدان پرداخته می‌شود.

۳. اشکال سوء استفاده شرکت مادر از شرکت تابعه

سوء استفاده شخصیت حقوقی شرکت تابعه، در زمان اداره، به عنوان استفاده ابزاری از آن یاد می‌شود. بدین صورت که، اگر مشخص شود از شرکت به عنوان ابزاری برای مخفی کردن^۱ هویت متصدی واقعی امور، برای تحقق انگیزه‌ها و مقاصد شرکت مادر استفاده شده است، سوء استفاده محقق شده است. استفاده ابزاری از شرکت تابعه زمانی محقق می‌شود که استقلال شرکت تابعه توسط شرکت مادر، رعایت نشود. مانند تصمیم‌گیری در راستای منافع شرکت مادر و به زیان شرکت تابعه، فقدان تفکیک سرمایه میان شرکت مادر و تابعه، بی‌توجهی به ساختارها و ارکان شرکت تابعه (رضایی، ۱۳۹۶ [ب]: ۶۴).

۱. شایان ذکر است استفاده ابزاری از امتیازات شخصیت حقوقی (پوشش بودن شرکت) مانند کلاهبرداری، حمایت از اشخاص ثالث مانند طلبکاران و خریداران، فرار شرکت از تعهدات حقوقی‌اش از جمله مواردی است که محاکم بین‌المللی محکومیت شرکت مادر پذیرفته‌اند، نک:

Ziegler Andreas, R., & Qureshi, A. (2011). *International economic law*. Sweet & Maxwell. p: 87.

از جمله مهم‌ترین استفاده ابزاری از شخصیت حقوقی شرکت می‌تواند برای اهداف فرار از دین، فرار مالیاتی، رویه‌های تجاری ناعادلانه از جمله ایجاد انحصار در رقابت باشد. در ادامه به شکل‌گیری هریک در ساختار پیچیده گروه شرکت‌های تجاری، پرداخته می‌شود.

۳-۱. فرار از دین

در هم‌تندگی حساب‌های دو شرکت، می‌تواند وسیله‌ای جهت سوءاستفاده باشد. به گونه‌ای که هر یک از دو شرکت مزبور، علی‌رغم آنکه اقدام را برای خویش انجام می‌دهد اما آن را به حساب دیگری منظور نماید. یا شاید معاملاتی که نافع به حال شرکت نیست را به حساب شرکت دیگر منظور نماید تا چنانچه بعداً مشکلی پیش آید به دلیل استقلال شخصیت حقوقی شرکت و عمدتاً به دلیل محدود بودن قالب آن، تنها آن شرکت و در نهایت، تنها اموال آن برای طلبکاران در دسترس باشد. امکان تصور این دو وضعیت نسبت به هر یک از شرکت‌های مادر و تابعه وجود دارد، ولی عمدتاً شرکت مادر از این وضعیت سوءاستفاده کرده و شرکت تابعه را به تعبیر غربی‌ها، سپر معاملات مضر به حال خویش قرار می‌دهد. تشخیص این امر مستلزم اظهارنظر کارشناسان خبره است.

همچنین، شرکت مادر، قادر خواهد بود، برای مخفی کردن سرمایه واقعی خود و به قصد فرار از دین، دارایی خود را در قالب قرارداد به شرکت تابعه انتقال دهد و از دسترس طلبکاران خارج کند (رضایی، ۱۳۹۶ [ب]: ۶۳). این انتقال متقلبانه ممکن است به شکل صوری یا غیرصوری انجام گیرد. اگر معامله صوری باشد، قرارداد به دلیل عدم وجود قصد باطل بوده و هیچ آثار قانونی ندارد. در چنین شرایطی طلبکاران شرکت مادر می‌توانند به طرفیت شرکت تابعه طرح دعوا نموده و آن مقدار از دارایی را که به طور صوری منتقل شده است، مطالبه کنند و اگر شرکت تابعه، توان پرداخت دارایی فوق را از محل اندوخته خود نداشته باشد، طلبکاران می‌توانند انحلال شرکت تابعه را بخواهند. اما اگر معامله صوری نباشد، از همان ابتدا باطل نیست، ولی ممکن است بر حسب شرایط قابل خدشه باشد. برای مثال، چنانچه شرایط ماده ۴۲۴ قانون تجارت^۱ محقق گردد، معامله قابل فسخ است.

افزون بر این، شرکت مادر، جهت فرار از دین، می‌تواند به بهانه تجدید ساختار مالی شرکت تابعه، اقدام به انتقال متقلبانه دارایی خود به شرکت مزبور، بدون ذکر در صورت‌های مالی خویش، نماید.

۱. ماده ۴۲۴ قانون تجارت بیان می‌دارد: «هر گاه در نتیجه اقامه دعوی از طرف مدیر تصفیه یا طلبکاری بر اشخاصی که با تاجر طرف معامله بوده یا بر قائم مقام قانونی آنها ثابت شود تاجر متوقف قبل از تاریخ توقف خود برای فرار از ادای دین یا برای اضرار به طلبکارها معامله نموده که متضمن ضرری بیش از ربع قیمت حین معامله بوده است آن معامله قابل فسخ است مگر اینکه طرف معامله قبل از صدور حکم فسخ تفاوت قیمت را پردازد دعوی فسخ در ظرف دو سال از تاریخ وقوع معامله در محکمه پذیرفته می‌شود.»

۲-۳. فرار مالیاتی

فرار مالیاتی در حالت کلی اشاره به انجام اقدامات غیرقانونی مانند حساب‌سازی، عدم ارائه دفاتر، انجام فعالیت‌های اقتصادی زیرزمینی، برای فرار از پرداخت مالیات دارد. در این راستا و برای رسیدن به این هدف، درآمدی که مشمول پرداخت مالیات می‌شود، سودی که به آن مالیات تعلق می‌گیرد، میزان یا منبع درآمدها پنهان می‌شود و یا اقداماتی که سبب تخفیف مالیاتی می‌گردند، به بالاتر از میزان واقعی اظهار می‌شوند (Alm & Torgler, 2006: 230). تقریباً در تمامی کشورهای جهان، بخش عمده‌ای از منابع درآمدی دولت از طریق اخذ مالیات تأمین می‌گردد. البته سهم مالیات از کل درآمدهای عمومی در میان کشورها متفاوت می‌باشد (خانی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۲۴).

در ارتباط با فرار مالیاتی شرکت‌های مادر می‌توان اذعان نمود که گروه شرکت‌های مادر که از چندین شرکت تشکیل شده، می‌تواند با انتقال سود و زیان به یکدیگر از پرداخت مالیات فرار نمایند. این اتفاق، زمانی رخ می‌دهد که طرفین قرارداد، عمداً، بین قصد واقعی و قصد اظهار شده خود تفاوت قائل شوند. مانند وضعیتی که طرفین قرارداد به قیمتی بالاتر از آنچه در قرارداد به‌عنوان ثمن ذکر کرده‌اند، جهت فرار از مالیات به توافق رسند.

۳-۳. رویه‌های تجاری ناعادلانه^۱

امروزه، به دلیل رشد فناوری، رویه‌های تجاری ناعادلانه به‌عنوان یکی از مباحث نوین در حقوق رقابت، جایگاه والایی به خود گرفته است. از جمله مهم‌ترین رویه‌های تجاری ناعادلانه می‌توان به ایجاد انحصار در رقابت و حساب‌سازی اشاره نمود.

در علم اقتصاد، یک شرکت هلدینگ عمودی اگر، به اندازه کافی رشد نماید می‌تواند از انحصار در بازار استفاده نماید.^۲ گروه شرکت‌های تجاری در حوزه‌های خاص صنعت، با یکدیگر توافق می‌کنند تا قیمت محصولات را در حد معینی نگاه دارند. این امر سبب از بین رفتن رقابت بین فعالان اقتصادی و موجب بروز پدیده تثبیت قیمت‌ها می‌شود. در این فرض شرکت‌ها به جای

1. Unfair Trade Practices

۲. شرکت هلدینگ عمودی به شرکتی گفته می‌شود که دارای شرکت‌های تابعه‌ای باشد که بین آن‌ها رابطه خریدار-عرضه‌کننده وجود داشته باشد. در این نوع هلدینگ، زنجیره‌ای تشکیل می‌شود که خروجی (محصولات) هر شرکت، ورودی (ماده اولیه) شرکت دیگر است. به عبارتی در هلدینگ عمودی شرکت‌های تابعه هر کدام قسمتی از زنجیره تولید هستند. نک: Clarke, S. (2004). The Management Structure of Russian Holding Companies

رقابت با یکدیگر، با تبانی، قیمت‌ها را در سطح مشخصی نگه داشته و انحصار بازار را به دست می‌گیرند (قپانچی و همکاران، ۱۳۹۳: ۱۵۶).

در حقوق ایران نیز، اگر شرکت مادر با هدف تحصیل انحصار تولید کالایی خاص در بازار و یا ایجاد وضعیت اقتصادی مسلط، مبادرت به تملک سهام و یا کنترل شرکتی دیگر نماید این موضوع می‌تواند از مصادیق اعمال منحل رقابت تلقی شود که به موجب ماده ۴۴ قانون اجرای سیاست‌های کلی اصل ۴۴ قانون اساسی منع شده است، به موجب این ماده «هیچ شخص حقیقی یا حقوقی نباید سرمایه یا سهام شرکت‌ها یا بنگاه‌های دیگر را به نحوی تملک کند که موجب اختلال در رقابت در یک و یا چند بازار گردد.»

یکی دیگر از رویه‌های تجاری ناعادلانه شرکت‌ها، حسابداری یا حساب‌سازی‌های نارواست. حساب‌سازی عمل خدعه‌آمیزی است که به منظور سوءاستفاده خود یا دیگری یا به منظور اضرار به شخصی انجام گیرد و در نتیجه آن، با تحریف یا حذف مبالغ یا موارد افشا از صورت‌های مالی می‌تواند شامل دستکاری یا تغییر سوابق حساب یا سندی که جهت حسابداری تهیه شده، نابود، مخدوش، یا دستکاری سند مالی و یا ارائه نادرست یا حذف عمدی وقایع، دادوستدها یا سایر اطلاعات با اهمیت در صورت‌های مالی باشد (قپانچی و دیگران، ۱۳۹۳: ۱۵۷).

گروه شرکت‌های تجاری، به دلایل متعدد از جمله فرار از مالیات، کسب سود بیشتر اقدام به حساب‌سازی‌های ناروا می‌نمایند. متخصصان این حوزه با دستکاری در حساب‌های مالی شرکت‌ها، حقایق مالی را پنهان کرده و امور کذبی را به شرکت‌ها نسبت می‌دهند.

۴. تبیین تسری مسئولیت به شرکت مادر در قبال فعالیت‌های شرکت تابعه

پیش از پرداختن به تبیین مسئولیت شرکت مادر در قبال فعالیت‌های شرکت تابعه، لازم به ذکر است که در مورد گروه شرکت‌های مادر، نظراتی راجع به وحدت و یا تعدد شخصیت حقوقی مابین این گروه شرکت‌ها و در نتیجه مسئولیت و یا عدم مسئولیت مطلق شرکت مادر وجود دارد. بررسی نظریات فوق، حایز اهمیت است.

در زمینه گروه شرکت‌های تجاری، می‌بایست به تقابل دو واقعیت حقوقی و اقتصادی توجه کرد. اینکه بر اساس واقعیت حقوقی هر شرکت دارای شخصیت حقوقی مستقل از شرکت دیگری می‌باشد و در برخی از آن‌ها مانند شرکت‌های سرمایه، سهام‌داران هم دارای مسئولیت محدود در برابر شرکت هستند. ولیکن، بر اساس واقعیت اقتصادی و آنچه در عمل نیز شاهد آن هستیم، این بوده که شرکت‌های یک گروه به صورت مجموعه واحد و به هم پیوسته عمل می‌نمایند و شرکت مادر کنترل و مدیریت مجموعه را به دست دارد؛ پس بر این اساس شرکت مادر مسئولیت مطلق در برابر اقدامات شرکت‌های تابعه دارد.

بر اساس این دو واقعیت در حقوق تجارت بین‌الملل دو اصل به وجود می‌آید، یکی اصل «وجود مستقل»^۱ که مبتنی بر واقعیات حقوقی است و دیگری اصل «وجود واحد»^۲ که به واقعیات اقتصادی عملکرد گروه توجه دارد. اصل «وجود مستقل» دارای پایه‌های مستحکم‌تری در حقوق کشورهاست، به‌خصوص، زمانی که بحث مسئولیت مطرح باشد، به همین دلیل، نظام‌های حقوقی در پاره‌ای موارد استثنایی با تمسک به دکترین «خرق حجاب شخصیت حقوقی شرکت» و با استفاده از سوءمدیریت و کنترل شرکت تابعه، مسئولیت را بر نهاد کنترل‌کننده تحمیل می‌نمایند (کاویانی و قاسمی مقدم، ۱۳۹۴:۳۲). در حقوق ایران، با توجه به خلأ قانونی موجود، با عنایت به عمومات حقوقی و قواعد فقهی همچون «منع سوءاستفاده از حق»، «من له الغنم فعلیه الغرم»، «مسئولیت ناشی از مالکیت یا کنترل شرکت تابعه»، «مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر»، «تسبیب» و مواد مربوط به مسئولیت مدنی، به‌عنوان مبنای مسئولیت شرکت مادر در برابر اعمال شرکت تابعه، می‌توان در صورت سوءاستفاده شرکت مادر از شرکت تابعه، قائل به پذیرش مسئولیت شرکت مادر باشیم. دادگاه‌ها می‌توانند با استناد به اصول فقهی و حقوقی منع سوءاستفاده از حق و لاضرر و به استناد ماده ۱ قانون مسئولیت مدنی و ماده ۲۳۷ لایحه جدید قانون تجارت (در صورت لازم‌الاجرا شدن قانون فوق)، شرکت مادر را در قبال اقدامات شرکت تابعه مسئول قلمداد نمایند.

در ادامه به بررسی قواعد فقهی و حقوقی ایران، درخصوص تسری مسئولیت شرکت مادر در قبال فعالیت‌های شرکت تابعه پرداخته می‌شود.

۱-۴. قاعده من له الغنم فعلیه الغرم

قاعده من له الغنم فعلیه الغرم یکی از قواعد مسلم فقهی است که خسارت‌های متنوع دنیای معاصر سبب‌گردیده حقوق‌دانان به این قاعده توجه نمایند (کاتوزیان، ۱۳۸۵: ۲۲۵). توجه به حقوق اشخاص ثالثی که با شرکت تابعه به اعتبار وابستگی آن به شرکت مادر معامله می‌نمایند، ضرورت مسئولیت شرکت مادر را در قبال اقدامات شرکت تابعه متذکر می‌شود. از آنجا که شرکت تابعه از امکانات و توانایی مالی کمتری برای جبران خسارات وارده به اشخاص ثالث برخوردار است، در حالی که در بسیاری از موارد، اشخاص ثالث با در نظر گرفتن اعتبار کل گروه وارد معامله با شرکت تابعه می‌شوند، لذا، همان‌گونه که در زمان عملیات و کسب سود، شرکت مادر به‌عنوان کنترل‌کننده شرکت تابعه، اقدام به هدایت عملیات و جهت‌دهی آن می‌کند، در زمان زیان و یا ورشکستگی نیز باید مسئولیت اقدامات خود را بپذیرد (صالحی مازندرانی و ذاکری‌نیا، ۱۳۹۲: ۱۵۷).

1. entity principle
2. enterprise principle

۲-۴. غرور

اصطلاح غرور در فقه و حقوق، صدور کاری است از جانب فردی که سبب ضرر دیگری شده است و این خسارت از راه فریب خوردن به فرد تحمیل شده است، هرچند قصد فریب دادن آن شخص مد نظر نباشد (البجنوردی، ۱۹۶۹: ۵۹).

درخصوص گروه شرکت‌های تجاری، مصداق بارز این قاعده می‌تواند شرکت تابعی باشد که به هر طریق از عنوان یا علامت تجاری شرکت مادر در مکاتبات خود استفاده نموده و سبب فریب اشخاص ثالث در انعقاد قرارداد می‌شود. حتی ممکن است اشخاص ثالث به گمان انعقاد قرارداد با یک شرکت قدرتمند تعهداتی را قبول کنند و وارد مراودات مالی شوند.

در این فرض حکم به مسئولیت شرکت مادر به استناد قاعده غرور امکان‌پذیر خواهد بود. در این صورت شرکت مادر که از نام و اعتبار خود سوءاستفاده نموده است و به نوعی در شرکت تابعه درج کرده است و حتی اگر چنین قصدی نداشته باشد ولی عرفاً موجب چنین القایی شده باشد، مطابق قاعده فوق با شرکت تابعه مسئولیت تضامنی خواهد داشت (احمدزاده، ۱۳۹۴: ۷۰).

شایان ذکر است مبنای فوق در حقوق فرانسه، به عنوان «ایجاد ظاهری گمراه‌کننده» در قانون و رویه قضایی این کشور تثبیت شده است. بدین شکل که اگر شخصی بر وضعیتی اعتماد کند، ایجادکننده وضعیت، موظف به حفظ آن می‌باشد و برای حکم به مسئولیت، اطمینان و اعتماد فرد به ظاهر ایجاد شده نیازمند اثبات است، لذا، اگر شخص با این اطمینان معامله نماید که شرکت تابعه در قرارداد خود مستقل از شرکت مادر عمل می‌نماید، بر اساس مبنای فوق، نمی‌توان حکم به مسئولیت شرکت مادر داد (رضایی، ۱۳۹۶ [الف]: ۱۶۶).

۳-۴. مسئولیت ناشی از مالکیت یا کنترل شرکت تابعه

مسئولیت ناشی از مالکیت یا کنترل شرکت تابعه، می‌تواند با عنوان کلی مسئولیت ناشی از فعل غیر (مسئولیت نیابتی)، نیز مطرح شود. هرچند ممکن است گفته شود، استقلال شخصیت حقوقی شرکت مانع از تسری مسئولیت به شرکت مادر می‌شود، ولیکن، چون شرکت مادر به واسطه تملک اکثریت سهام شرکت تابعه، کنترل و مدیریت شرکت تابعه را بر عهده دارد، اقدامات شرکت تابعه به وی منسوب است و باید پاسخ‌گوی اقدامات زیان‌بار آن باشد (رضایی، ۱۳۹۶ [ب]: ۶۶).

مطابق با پذیرش مبنای فوق، شرط لازم جهت اعمال مسئولیت، حداقل کنترلی است که شرکت مادر در تصمیمات منتج به ورود خسارت به اشخاص ثالث، دارد. یکی از مؤلفه‌های تشخیص میزان این حداقل کنترل، میزان سهام شرکت مادر در شرکت تابعه است، بدین اعتبار که اگر شرکت مادر دارای سهام عمده در شرکت تابعه بوده و از این روش در اتخاذ تصمیمات مربوط به آن شرکت نقش

عمده‌ای داشته باشد، در صورت ورود خسارت بعدی ناشی از این تصمیمات، می‌توان این شرکت را مسئول انگاشت.

باید توجه داشت که این کنترل تنها به دلیل مالکیت سهام عمده شرکت حاصل نمی‌شود، زیرا، برخی اوقات، کنترل به موجب قرارداد نیز، تحقق می‌یابد. در بعضی از شرکت‌های تجاری گروه، مرسوم است که شرکت‌های تابعه سهام یکدیگر را خریداری می‌نمایند، ولی شرکت مادر هیچ سهمی در هیچ‌یک از شرکت‌های تابعه ندارد یا سهامش به اندازه‌ای نیست که به سهام‌دار عمده تبدیل شود، ولیکن، به وسیله قرارداد، مدیریت گروه را بر عهده می‌گیرد و شرکت‌های تابعه، به صورت کاملاً سختگیرانه، مقررات را رعایت می‌نمایند. در این هنگام، زمانی که شرکت مادر، دست به مداخله و نظارت چشمگیر در مدیریت شرکت تابعه زند و این شرکت در اثر فعالیت‌های تجاری ورشکست شود، شرکت مادر، می‌بایست خسارات دیمان شرکت تابعه را که به علت ورشکستگی خواستار حق خود هستند، جبران نمایند (جنیدی و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۴۶).

در این خصوص، در حقوق انگلستان، به موجب قوانین و رویه قضایی مسئولیت مدیران سایه^۱ پذیرفته شده است که مصداق بارز مدیران سایه، شرکت‌های مادر می‌باشند. به عنوان مثال در دعوای «CSR علیه رنچ»^۲، که در نظام قضایی کامن‌لا در نیوساوت ولز^۳ اقامه گردید، خواهان در دعوایی موفق شد از طریق قانونی، یک شرکت مادر را تحت تعقیب قرار دهد. وی به علت صدمات و زیان‌هایی که به علت کار با دستگاه‌های معیوب یکی از شرکت‌های تابعه متحمل شده بود، از شرکت مادر شکایت کرد. دادگاه، شرکت مادر را در برابر این صدمات، مسئول قلمداد نمود، به این استناد که تمام مدیران شرکت تابعه، کارکنان شرکت مادر بوده‌اند و در نتیجه تمام اقدامات مدیریتی شرکت مادر در جهت سیاست‌ها و خط‌مشی‌های شرکت مادر قرار گرفته و شرکت مادر از این حیث مسئولیت کامل در برابر خساراتی دارد که نشئت گرفته از کوتاهی و قصور مدیران شرکت تابعه می‌باشد (قنبری جهرمی و باعبان، ۱۳۹۳: ۲۰۲ و ۲۰۳).

۱. مدیر سایه، در حقوق انگلستان فردی است که بر اکثر اعضای هیئت مدیره کنترل مستمر داشته و برای رهایی از مسئولیت، شرکت را از پشت صحنه مدیریت می‌کند. در حقوق انگلیس چنین فردی به عنوان مدیر شرکت محسوب می‌شود و ملزم به رعایت وظایف مدیران است و در صورت تخلف از وظایف، مسئول واقع می‌شود، در صورتی که از مزایای مدیریت برخوردار نیست (عیسای تفرشی و آکردی، ۱۳۹۲: ۱۱۳).

2 CSR v. Wren.

3. New South Wales

در حقوق ایران، ماده ۲۳۷ لایحه جدید تجارت به این موضوع اشاره کرده است، به موجب این ماده «در صورتی که شرکت ورشکسته شود یا پس از انحلال معلوم گردد اموال شرکت برای تأدیه دیون آن کافی نیست، دادگاه می‌تواند به تقاضای هر ذی‌نفع هریک از مدیران را که مطابق ماده ۱۹ این قانون مفصاحساب نگرفته‌اند یا با اعمال تقلب، مفصاحساب أخذ نموده‌اند به تأدیه آن قسمت از دیونی که پرداخت آن از اموال شرکت ممکن نشده است محکوم کند، مگر اینکه ثابت شود ورشکستگی شرکت یا کافی نبودن اموال آن ناشی از جرایم و یا تخلف صریح آن مدیر از مفاد قوانین، مقررات و اساسنامه شرکت نبوده است. در صورتی که ثابت شود مجمع عمومی عادی علی‌رغم تخلفات مدیر یا مدیران صورت‌های مالی را تصویب کرده است، شخصی که به هنگام تصمیم‌گیری بیش از پنجاه درصد سرمایه شرکت، به طور مستقیم یا غیر مستقیم، متعلق به وی بوده یا به هر نحو کنترل مجمع را در اختیار داشته است مسئول جبران خسارت وارد شده به اشخاص ذی‌نفع است، مگر اینکه ثابت کند تصمیم مجمع به وی مستند نبوده است.»

قسمت اول ماده، به مسئولیت مدیر در صورت ورشکستگی شرکت اشاره دارد. مطابق با اصول و قواعد حقوقی است و در ماده ۱۴۳ لایحه قانونی اصلاح قسمتی از قانون تجارت مصوب ۱۳۴۷ نیز دیده می‌شود. ولیکن، قسمت دوم ماده، نوآوری لایحه جدید تجارت است. بر طبق این قسمت، چنانچه مجمع عمومی علی‌رغم تخلف مدیر یا مدیران، صورت‌های مالی را تصویب کرده باشد، شخصی که به هنگام تصمیم‌گیری بیش از پنجاه درصد سرمایه شرکت، به طور مستقیم یا غیر مستقیم، متعلق به وی بوده یا به هر نحو کنترل مجمع را در اختیار داشته است، مسئول جبران خسارت وارد شده به اشخاص ذی‌نفع است. مثال بارز این شخص، می‌تواند شرکت مادر باشد. اگر شرکت مادر بخواهد این اماره را از اثر بیندازد باید ثابت کند تصمیم مجمع به وی مستند نبوده است. در حقیقت، قانون‌گذار در این ماده، صرف در اختیار داشتن مدیریت و یا تملک اکثریت سهام را اماره نفوذ در تصمیم‌گیری دانسته و چنین شخصی را بر مبنای مسئولیت ناشی از مالکیت و یا کنترل شرکت تابعه مسئول به حساب آورده است (پورزاد، ۱۳۹۶: ۱۴). با توجه به لزوم اثبات عدم استناد تصمیم مجمع به شرکت مادر، وجود رابطه سببیت بین اقدامات شرکت مادر و زیان ضروری است.

۴-۴. مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر (مسئولیت نیابتی)

در حقوق ایران، در باب مسئولیت مدنی، اصل بر «شخصی بودن مسئولیت» است و «مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر»، استثنایی بر اصل فوق است. در حقوق ایران، برخلاف سایر کشورها مانند فرانسه، که قاعده کلی در خصوص مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر مطرح شده است، در مواد پراکنده‌ای، مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر مطرح شده است. مواد ۷ (مسئولیت سرپرست ناشی

از عمل مجنون و صغیر) و ۱۲ (مسئولیت کارفرما ناشی از عمل کارگر) قانون مسئولیت مدنی به نوعی به این امر اشاره دارد.

همچنین مصادیق زیادی از مسئولیت ناشی از عمل غیر در رژیم حقوقی ایران جود دارد مانند، حمل و نقل دریایی ماده ۱۱۲ و بند ۱ ماده ۱۳ قانون دریایی، در مورد مسئولیت وکیل اول ناشی از عمل وکیل دوم در جایی که مجاز به واگذاری مورد وکالت نیست ماده ۶۷۲ قانون مدنی و مسئولیت عاقله ناشی از عمل جانی ماده ۳۰۶ قانون مجازات اسلامی، تمام مواد فوق، دلالت بر نوعی مسئولیت مدنی ناشی از عمل غیر دارد و این موارد که به مختصر اشاره شد بیانگر گسترش دامنه مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر است که مسئولیت شخصی را دچار نوعی تخصیص اکثر نموده است (احمدی‌نیا و همکاران، ۱۳۹۸: ۲۵۴).

با تدقیق و بررسی در مواد قانونی، مشخص می‌شود در حقوق ایران مسئولیت ناشی از فعل غیر یا اشیا به دلیل نقض وظیفه مراقبت به‌عنوان یک اصل حقوقی در ایجاد مسئولیت مانند برخی از کشورهای دیگر پذیرفته شده است.^۱

توجه به مبنای موجود در هر یک از این مصادیق، نظارت و کنترلی است که موجب مسئولیت می‌شود. همچنین، یکی از مبانی فقهی مسئولیت ناشی از فعل غیر، مواسات و یاری رساندن به دیگران است و جلوگیری نمودن از تضییع حق زیان‌دیده است (یزدانیان، ۱۳۹۱: ۲۶۰). لذا، از آنجا که شرکت تابعه نیز تحت نظارت و کنترل شرکت مادر است و این کنترل به‌نحوی است که شرط تحقق رابطه مادر و تابعه، وجود کنترلی مؤثر است، در نتیجه می‌توان شرکت مادر را بر اساس میزان مالکیت سهام شرکت تابعه و کنترلی که به واسطه مالکیت سهام بر شرکت مادر نسبت به تابعه به وجود می‌آید به میزان درجه کنترل و تأثیر، مسئول پرداخت خسارات است.

از آنجا که مسئولیت ناشی از فعل غیر استثنایی وارد بر اصل مسئولیت شخصی می‌باشد و اگر مبنای فوق، به دلیل تفسیر مضیق استثنا، برای پذیرش مسئولیت شرکت مادر در قبال اقدامات شرکت تابعه، مورد پذیرش واقع نشود، استناد به قاعده تسبیب خالی از فایده نخواهد بود.

۱. به‌عنوان مثال، ماده ۱۳۸۴ قانون مدنی فرانسه به صورت کلی مسئولیت‌های ناشی از فعل غیر را بیان می‌دارد، ماده فوق، در بیان مصادیقی از مسئولیت ناشی از فعل غیر مقرر می‌دارد: «شخص نه تنها مسئول خسارات ناشی از عمل خود است بلکه مسئول خسارات ناشی از عمل کسانی که وی پاسخ‌گوی آن‌ها می‌باشد یا مسئول خسارات اشیاء تحت مراقبت خود نیز هست...»

۴-۵. تسبیب

برخلاف نظام‌های حقوقی غربی که در قوانین و مقرراتشان، صراحتاً به مسئولیت مدنی شرکت مادر در قبال اقدامات شرکت تابعه اشاره شده است^۱، در نظام حقوقی ایران در این خصوص مقرره‌ای وجود ندارد. از آنجا که شرکت تابعه، تحت نظارت و کنترل شرکت مادر قرار دارد و این کنترل به‌گونه‌ای است که شرط تحقق رابطه شرکت مادر و شرکت تابعه، وجود کنترلی مؤثر و ملموس است. شرکت مادر به واسطه نفوذ خود و راهکارها و سیاست‌های دیکته‌شده به شرکت تابعه می‌تواند عنان و اداره شرکت تابعه را در دست بگیرد و هرگاه، بر اساس تصمیمات شرکت مادر، خساراتی از شرکت تابعه به اشخاص ثالث وارد شود، خسارات فوق بر مبنای قاعده تسبیب، از شرکت مادر قابل مطالبه خواهد بود.

ولیکن، چون بر طبق قاعده، اصل بر آن است که در اجتماع سبب و مباشر، مباشر مسئول است مگر آنکه سبب اقوی از مباشر باشد. در این مورد نیز برای مسئول شناختن شرکت مادر، باید اقوی بودن سببیت شرکت مادر اثبات شود. بدیهی است در اثبات این رابطه، نمی‌توان قاعده‌ای کلی به دست داد و چنین استنباط نمود که چون شرکت تابعه در هر حال و تحت هر شرایطی تحت کنترل و نظارت شرکت مادر است، از باب تسبیب مسئول خسارات وارده است. بلکه، زمانی که یک یا چند شرکت تابعه تعهدات خود را ایفا نمایند، در حالی که سود کل گروه در خور توجه بوده و در حقیقت، در برابر ایجاد دیون برای بعضی از شرکت‌های تابعه، شرکت‌های دیگر توانسته باشند به رشد و اعتلای اقتصادی برسند، شرکت مادر می‌تواند مطابق قاعده تسبیب مسئول باشد ولی، مهم‌ترین مصداق که در این فرض نیاز به اثبات دارد عدم استقلال شرکت تابعه و مباشرت شرکت مادر در تصمیمات اتخاذی، می‌باشد. در این حالت، اگر شرکت مادر به خاطر دخالت غیرمستقیم در مدیریت شرکت‌های تابعه، مسبب ورود خسارت به طلبکاران شرکت‌های تابعه شود، مطابق قاعده تسبیب ملزم به جبران خسارت است (احمدزاده، ۱۳۹۴: ۷۱).

۶. راهکارهای مقابله با سوءاستفاده شرکت مادر از شرکت تابعه

در حال حاضر، در راستای اجرای قانون اصل ۴۴ قانون اساسی، بسیاری از شرکت‌های دولتی و یا شرکت‌های خصوصی که دارای سهام مالکانه دولتی بوده، می‌باید سهام آنان به بخش خصوصی

۱. به‌عنوان مثال، استرالیا در قانون اصلاحی شرکت‌های تجاری مصوب ۱۹۹۲ (Corporate Law Reform Act 1992 of Australia)، مسئولیت شرکت هلدینگ در قبال طلبکاران شرکت تابعه را به رسمیت شناخته است، همچنین در آلمان نیز اگر یک شرکت کنترل‌کننده (هلدینگ)، نقش و نظارت برجسته‌ای در کنترل شرکت تابعه داشته باشد و شرکت دچار زیان و یا بعضاً ورشکستگی گردد، شرکت مادر مسئول پرداخت دیان شرکت تابعه می‌باشد (حسنایی، ۱۳۸۹: ۱۷۷).

واگذار شود. در این حین، واگذاری سهام دولت در قالب و روش‌های مختلف از جمله واگذاری، تحصیل، ادغام، و تشکیل گروه شرکت‌های تجاری در حال انجام می‌باشد. لذا مقابله با سوء استفاده شرکت‌های مادر از شرکت‌های زیر مجموعه، حایز اهمیت می‌باشد.

جهت جلوگیری از سوء استفاده‌های احتمالی از جمله، فرار از دین جهت خارج کردن سرمایه شرکت مادر از دسترس طلبکاران، فرار مالیاتی و رویه‌های تجاری ناعادلانه، پیش‌بینی مکانیسم‌های نظارتی بر فعالیت گروه شرکت‌های مادر تخصصی الزامی است. مکانیسم‌های نظارتی بر فعالیت‌های گروه شرکت‌های تجاری می‌تواند از طریق سازمان‌های تخصصی و سایر روش‌ها، توسعه پیدا کند. ولیکن، باید توجه داشت افراط در نظارت بر فعالیت گروه شرکت‌های تجاری مانع جذب سرمایه‌گذاری و رونق اقتصادی نشود.

در حال حاضر، قانون‌گذار به اهمیت موضوع شرکت‌های مادر پی برده است و در جدیدترین اقدام، در لایحه جدید قانون تجارت مصوب کمیسیون حقوقی و قضایی مجلس به همراه آخرین اصلاحات، در ماده ۲۲۶ به تعریف شرکت مادر و تابعه پرداخته است و در ماده ۲۳۷ قانون مزبور، صرف در اختیار داشتن مدیریت و یا تملک اکثریت سهام را اماره نفوذ مؤثر در تصمیم‌گیری دانسته و بر همین اساس، شرکت مادر را مسئول به‌شمار آورده است. بایسته است قانون‌گذار در لایحه فوق، فصل مجزایی را به تعیین حدود، شرایط و میزان مسئولیت شرکت‌های مادر در قبال شرکت‌های تابعه در فرض سوء استفاده شرکت‌های مادر از زیر مجموعه خود اختصاص دهد.

در مجموع، هرچند در قانون مالیات‌های مستقیم مصوب ۱۳۹۴ در ماده ۲۷۴، فرار مالیاتی عمل مجرمانه محسوب شده و برای مرتکبین مجازات درجه شش تعیین شده است و در ماده ۲۷۵ قانون مزبور، ضمانت اجرای فرار مالیاتی اشخاص حقوقی نیز برای مدت شش ماه تا دو سال به ممنوعیت از یک یا چند فعالیت شغلی و یا ممنوعیت از اصدار برخی از اسناد تجاری تعیین شده است، تبصره ماده فوق نیز مقرر می‌دارد، مسئولیت کیفری شخص حقوقی مانع از مسئولیت کیفری شخص حقیقی مرتکب جرم نمی‌باشد ولیکن، به نظر می‌رسد ضمانت اجرای فوق، کافی برای جلوگیری از فرار مالیاتی شرکت‌های مادر تخصصی نمی‌باشد و بایسته است قانون‌گذار در خصوص موضوع، سختگیری‌های بیشتری نماید، از جمله وضع جزای نقدی سنگین.

همچنین، تشکیل بانک اطلاعاتی جامع و فراگیر به طوری که تمامی فعالیت‌های اقتصادی گروه شرکت‌های تجاری از طریق مراجعه و ثبت در این مرکز صورت و در اختیار واحدهای مالیاتی سراسر کشور قرار گیرد، می‌تواند راهکاری برای جلوگیری از فرار مالیاتی باشد. علاوه بر آن، ایجاد ثبات در قوانین و مقررات می‌تواند کمک قابل توجهی به کاهش فرار مالیاتی نماید.

جهت جلوگیری از حساب‌سازی‌های ناروا نیز به نظر می‌رسد گزینش حساب‌برسان متخصص و انتصابی (نه انتخابی توسط خود گروه شرکت‌های تجاری)، برای امور حسابرسی گروه شرکت‌های تجاری، موجب خواهد شد تا حساب‌سازی‌های ناروای شرکتی کشف و با آنان برخورد شود. برای انجام وظیفه صحیح حساب‌برسان می‌توان از ضمانت‌اجراه‌های کیفی نیز استفاده نمود.

نتیجه

گروه شرکت‌های مادر، از جمله جدیدترین مسائل در جهان امروز است. در حال حاضر، در نظام حقوقی کشورمان، صراحتاً به رابطه بین شرکت مادر و تابعه اشاره نشده است، همین امر سبب شده تا علی‌رغم کارکردهای مفیدی که این وضعیت بر اقتصاد و تجارت کشور دارد، در برخی موارد شرکت‌های تابعه در راستای نیت متقلبانانه شرکت مادر، مورد سوءاستفاده قرار گرفته و شرکت‌های مادر با تشکیل شرکت‌های تابعه، در صدد تضییع حقوق طلبکاران برآیند.

هرچند قانون‌گذار، در ماده ۲۲۶ لایحه جدید قانون تجارت به تعریف شرکت مادر و تابعه پرداخته است و در ماده ۲۳۷ قانون مزبور، صرف در اختیار داشتن مدیریت و یا تملک اکثریت سهام را اماره نفوذ در تصمیم‌گیری دانسته و بر همین اساس، شرکت مادر را مسئول به‌شمار آورده است. ولیکن، با توجه به اینکه لایحه جدید قانون تجارت در حال حاضر لازم‌الاجرا نمی‌باشد و در خصوص پرداختن به ابعاد موضوع کامل نمی‌باشد در حال حاضر، با فقدان مقررات صریح در خصوص موضوع روبه‌رو می‌باشیم. در نهایت، با بررسی در مبانی فقهی و حقوقی موجود به‌ویژه قاعده «من له الغنم فعلیه الغرم»، «غرور»، «مسئولیت ناشی از مالکیت یا کنترل شرکت تابعه»، «مسئولیت ناشی از فعل غیر» و «تسبیب» می‌توان با رعایت احتیاط، مبنی بر عدم تعرض به قاعده اصل استقلال شخصیت حقوقی شرکت‌ها، با تحقق شرایطی خاص، شرکت مادر را در قبال شرکت تابعه مسئول دانست.

در حقوق غرب نیز، اصل استقلال شخصیت حقوقی شرکت‌ها مطلق نیست و با عنایت به قاعده «خرق حجاب شخصیت حقوقی شرکت» در زمان سوءاستفاده و یا تقلب، حجاب شرکت کنار گذاشته می‌شود و حکم به مسئولیت سهام‌داران اصلی داده می‌شود. از آنجا که مسئول قلمداد نمودن شرکت مادر، در برابر فعالیت‌های شرکت تابعه، خلاف اصل استقلال شخصیت حقوقی شرکت‌های تجاری است؛ لذا مراجع رسیدگی، در توسل به آن، چیزی بیش از اثبات کنترل شرکت اصلی بر شرکت تابعه را لازم می‌شمرند و معمولاً وقوع تقلب یا سوءاستفاده (تقصیر) را شرط دانسته و اثبات آن را مانند هر ادعای دیگر بر عهده مدعی می‌گذارند و آن را در دعاوی مسئولیت مدنی می‌پذیرند. از آنجا که مقررات صریح لازم‌الاجرا در این خصوص در حقوق کشورمان وجود ندارد و ناگزیر از مراجعه به عموماً حقوقی هستیم و با توجه به استنباط‌های متفاوت از عموماً حقوقی، انتظار

می‌رود قانون‌گذار، با اصلاح لایحه جدید قانون تجارت، با در نظر گرفتن ملاک‌های متقن جهت شناسایی مسئولیت شرکت مادر، از تشک آزادی آینده جلوگیری نماید، به‌عنوان نمونه پیشنهاد می‌گردد در تصویب قانون تجارت جدید در مواردی که:

الف) شرکتی بیش از ۵۰ درصد سهام شرکت دیگر را مالک باشد یا به‌لحاظ قید در اساسنامه، اکثریت حق رأی در تصمیم‌گیری‌های شرکت را دارا باشد.

ب) در غیر موارد فوق در جایی که شرکتی سهام‌دار شرکت دیگر بوده و علی‌رغم عدم اکثریت در تملک سهام و حق رأی در تصمیم‌گیری، در عمل، کنترل و نظارت یا نفوذ عملی بر اداره یا تصمیم‌گیری در شرکت ثانی داشته باشد (این موارد را می‌توان از اوضاع و احوال موجود در هر موضوع با ملاک‌هایی از جمله عدم رعایت غبطه و مصلحت مالی شرکت ثانی از سوی مدیران آن شرکت، تصمیم‌گیری در راستای سیاست‌های شرکت اصلی در مجامع عمومی شرکت ثانی یا توسط مدیران و وجود رابطه مالی و استخدامی میان مدیران شرکت ثانی با شرکت اصلی و سایر ملاک‌ها تشخیص داد).

قانون‌گذار، شرکت مالک سهام (شرکت اصلی) را به‌عنوان شرکت مادر و شرکت دوم را شرکت تابعه شناسایی نماید تا در صورتی که اقدامات شرکت تابعه در راستای منافع و سیاست‌های شرکت اصلی صورت پذیرد و یا اینکه در راستای اقدامات ضد رقابتی و انحصاری به نفع شرکت مادر تلقی گردد و این امر منجر به ورود خسارت به غیر یا موجب هر نوع مسئولیت اعم از مسئولیت کیفری و غیره گردد با خرق حجاب شخصیت حقوقی و عدول از اصل استقلال شخصیت حقوقی و اصل شخصی بودن مسئولیت، شرکت مادر را مسئول و ضامن اقدامات شرکت تابعه در نظر گرفت.

با توجه به گسترش خصوصی‌سازی در کشور و گسترش تشکیل گروه شرکت‌های تجاری، پیش‌بینی راهکارهایی برای جلوگیری از سوءاستفاده شرکت مادر از زیرمجموعه خود از جمله تدوین قوانین شفاف‌سازی، اصلاح قوانین مالیاتی و ایجاد مکانیسم‌های نظارتی ضروری می‌باشد.

منابع

فارسی

- اسکینی، ربیعا (۱۳۸۵)، *شرکت‌های تجاری*، تهران: نشر سمت.
- احمدزاده، مهدی (۱۳۹۴)، *مسئولیت هلدینگ در مقابل شرکت‌های تابعه*، پایان نامه کارشناسی ارشد، تهران: دانشگاه علم و فرهنگ.
- احمدی نیا، فرشته، رسول مظاهری کوهانستانی و منوچهر توسلی نائینی (۱۳۹۷)، «بررسی تطبیقی مبانی خرق حجاب شرکت در حقوق انگلستان، ایالات متحده آمریکا و ایران»، *مطالعات حقوقی*، دوره ۱۱، شماره ۱.
- پورزاد، فایزه (۱۳۹۶)، *مسئولیت شرکت مادر در قبال ورشکستگی شرکت‌های تابعه*، پایان نامه کارشناسی ارشد، شیراز: دانشکده حقوق و علوم سیاسی دانشگاه شیراز.
- جنیدی، لعیا و ملیحه زارع (۱۳۹۴)، «اعمال قاعده خرق حجاب شخصیت حقوقی بر مدیران، تحلیل مسئولیت مدیران شرکت‌های سرمایه در قبال دیون پرداخت نشده شرکت»، *مطالعات حقوق تطبیقی*، دوره ۶، شماره ۱.
- جنیدی، لعیا، اسکندری و بهزاد فرجام (۱۳۹۶)، «تأثیر ورشکستگی شرکت هایش شرکت‌های مادر و تابعه بر یکدیگر با تدقیق در روابط و مسئولیت متقابل آن‌ها»، *مطالعات حقوق خصوصی*، دوره ۴۷، شماره ۲.
- حسنائی، مرضیه (۱۳۸۹)، *ضوابط حقوقی حاکم بر فعالیت شرکت‌های فراملی*، پایان نامه کارشناسی ارشد تجارت بین‌الملل، تهران: دانشکده حقوق دانشگاه شهیدبهشتی تهران.
- خانی، عبدالله، کریم ایمانی و امین یوسفی (۱۳۹۳)، «اجتناب از مالیات، نحوه اندازه‌گیری و عوامل مؤثر بر آن»، *فصلنامه پژوهش حسابداری*، دوره ۴، شماره ۴.
- رضایی، علی (۱۳۹۶)، «مسئولیت شرکت مادر در قبال شرکت تابعه (مطالعه تطبیقی در حقوق فرانسه، بلژیک و ایران)»، *مطالعه حقوق تطبیقی*، دوره ۸، شماره ۱.
- رضایی، علی (۱۳۹۶)، «مبانی مسئولیت شرکت مادر در قبال شرکت تابعه، مطالعه تطبیقی در حقوق انگلیس و ایران»، *پژوهش‌های حقوق تطبیقی*، دوره ۲۱، شماره ۳.
- سبجان‌اللهی، محمدعلی، حسین رحمان‌سرشت و فرزانه اصلی بیگی (۱۳۹۱)، «الگوی تعامل استراتژیک در شرکت‌های هلدینگ»، *مطالعات مدیریت راهبردی*، شماره ۱۲، ص: ۲۰.
- شاملو، باقر و حمیدرضا دانش‌ناری (۱۳۹۷)، «رابطه دوسویه ارزش‌ها و پیش فرض‌های شرکتی و فرهنگ سازمانی جرم‌زا»، *مجله حقوقی دادگستری*، سال هشتاد و دوم، شماره ۱۰۲،
- شهبازی‌نبا، مرتضی، محمد عیسائی تفرشی، کوروش کاویانی و فرجی اسماعیل (۱۳۹۰)، «عبور از شخصیت حقوقی شرکت در فرض تقلب شریک در حقوق ایران و انگلیس»، *مجله حقوقی دادگستری*، شماره ۷۴.
- صالحی‌مازندرانی، محمد و حانیه ذاکری‌نیا (۱۳۹۲)، «شخصیت حقوقی شرکت‌های چند ملیتی و آثار آن»، *حقوق تطبیقی*، شماره ۱.
- طوسی، عباس (۱۳۸۸)، *تحلیل اقتصادی حقوق شرکت‌های تجاری*، رساله دکتری، تهران: دانشکده حقوق دانشگاه شهیدبهشتی.
- عبدی‌پور، ابراهیم و بشری کریمی (۱۳۹۸)، «تلاشی بر اعمال قواعد سنتی مسئولیت مدنی غیر قراردادی بر مسئولیت شرکت هلدینگ در قبال اقدامات شرکت‌های تابعه»، *آموزه‌های فقه مدنی*، دوره ۱۱، شماره ۲۰.

- عیسائی تفرشی، محمد و حبیب رضائی آکردی (۱۳۹۲)، «مفهوم و مسئولیت مدیر سایه در حقوق شرکت‌های تجاری (مطالعه تطبیقی در حقوق انگلیس و ایران)»، پژوهش‌های حقوق تطبیقی، دوره ۱۷، شماره ۳.
- قپانچی، حسام، حمیدرضا دانش ناری و ناهید موسوی (۱۳۹۳)، «جرایم مالی شرکتی از گونه‌شناسی تا علت شناختی»، دانشنامه حقوق اقتصادی، شماره ۶.
- قنبری جهرمی، محمدجعفر و رحیم باغبان (۱۳۹۳)، «اقامه دعوا علیه بنگاه‌های چندملیتی: مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها»، تحقیقات حقوقی، دوره ۱۷، شماره ۵۶۵.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۸۵)، حقوق مدنی، الزام‌های خارج از قرارداد، ضمان قهری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- کاویانی، کورش و سعیده قاسمی مقدم (۱۳۹۴)، «مسئولیت شرکت مادر در برابر بدهی شرکت‌های فرعی ورشکسته»، پژوهش‌های حقوق خصوصی، شماره ۵.
- محبی، محسن و یاسر ضیایی (۱۳۹۲)، «صلاحیت فرا سرزمینی در حقوق بین‌الملل در پرتو خرق حجاب شخصیت حقوقی شرکت»، حقوقی بین‌المللی، شماره ۴۷.
- وکیلان، حسن و نعیم نوربخش (۱۳۹۶)، «تعمیم مقر دایم به شرکت‌های فرعی»، پژوهشنامه مالیات، شماره ۳۴.
- یزدانیان، علیرضا (۱۳۹۱)، «مطالعه تطبیقی طرح مسئولیت مدنی ناشی از فعل غیر در حقوق ایران و فرانسه»، حقوق و علوم سیاسی، دوره ۴۲، شماره ۴.

عربی

- البجنوردی، میرزا حسن (۱۹۶۹)، القواعد الفقهیه، قم: نشرالهادی.

انگلیسی

- Alm, Jame, & Torgler, Benno (2006), "Culture differences and tax morale in the United States and in Europe". *Journal of economic psychology*, 27(2), 224-246.
- Clarke, Simon (2004), *The Management Structure of Russian Holding Companies*.
- Hofstetter, Karl (1990), "Parent responsibility for subsidiary corporations: evaluating European trends". *International & Comparative Law Quarterly*, 39(3), 576-598.
- Ziegler Andreas, R., & Qureshi, Asif (2011), *International economic law*. Sweet & Maxwell.
- Van Der Woude, Marc, & Jones, Christopher (2012), *EU competition law handbook*. Sweet & Maxwell.